

کارنامه و زمانه بیجن خان گرجی (با تکیه بر اسناد آرشیو ملی)

مهستی ابوذرجمهری

چکیده:


تاریخ سراسر فرود و فراز قاجار مملو از نام کسانی است که برخی به‌وضوح چون آینه می‌درخشند و برخی پشت هاله‌ای از غبار، یا ناشناخته باقی مانده و یا به‌دست فراموشی سپرده شده‌اند و خوب یا بد، چون شبی از لابه‌لای برگ‌های دفتر تاریخ گاه رخ می‌نمایند و گاه از نظرها ناپدید می‌شوند. یکی از این شخصیت‌های کمتر دیده‌شده، گرجی تباری است به‌نام «بیجن خان» که احتمالاً همان بیژن است اما چون در تمامی اسناد موجود از وی با نام «بیجن» یاد شده است، لذا در پژوهش حاضر نیز با همین نام ذکر می‌شود. وی در طول حیات خویش، زندگی در دوران سه پادشاه را درک و مناصب مهمی را احراز کرده است. این نوشتار با هدف معرفی و شناسایی وی به‌عنوان یکی از رجال گرجی‌تبار در تاریخ سراسر فراز و فرود قاجار انجام شده است و سعی دارد تا با جست‌وجو در آرشیو ملی کشور، اسنادی را که به وی مربوط می‌شود شناسایی کرده و به دور از هرگونه جهت‌گیری منفی یا مثبت، تصویری از شخصیت نامبرده ترسیم و به نقش وی در تاریخ قاجار بپردازد. روش این پژوهش ابتدا شناسایی اسنادی است که به وی تعلق دارد، اعم از اسنادی که راجع به وی نگارش یافته یا اسنادی که توسط خود وی تولید شده است؛ گام بعدی جست‌وجوی منابع کتابی است که بتوان توسط آن‌ها اطلاعات مربوط به وی را قدری تکمیل‌تر کرد. ماحصل بررسی اسناد آرشیوی و منابع کتابی حکایت از نقش وی در طول جنگ‌های ایران و روس و مذاکره با ژنرال پاسکویچ روسی و مأموریت‌های وی در رساندن خلعت شاهانه برای دریافت‌دارندگان آن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

بیجن خان گرجی؛ قاجاریه؛ مقامات کشوری؛ خلعت.

آرشیو ملی، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۱۹ و ۲۰؛

صص: ۲۶-۳۷



کارنامه و زمانه بیجن خان گرجی (با تکیه بر اسناد آرشیو ملی)

مهستی ابوذر جمهری^۱

مقدمه:

بر اساس شواهد تاریخی، یکی از پیامدهای کشورگشایی، کوچاندن نفوس انسانی از خاستگاه و موطن اصلی خود به سایر نقاط بوده است و گرجیان نیز از این امر مستثنا نبوده‌اند. کشور گرجستان هم خواسته یا ناخواسته بر اثر درگیری قدرت‌های مجاور چون ایران، روس و عثمانی از آسیب جنگ‌ها و کشمکش‌ها در امان نبود و بسیاری از خانوارهای گرجی در زمان شاه‌طهماسب، شاه‌عباس اول و نادرشاه افشار به ایران کوچانده شدند و در نقاطی از گیلان، مازندران، اصفهان، خوزستان و خراسان سکنی گزیدند (رحیمی، ۱۳۷۹، ص ۲۲).

در بررسی تاریخ صفویه به شخصیت برجسته گرجی چون «مهرعلی اسپنانی» برمی‌خوریم که به‌واسطه بروز رشادت‌هایی از خود در هنگام حمله قوای افغان به کشور، شخصیتی مورد احترام جامعه گرجیان است. در عهد کریم‌خان زند نیز به شخصیت‌های دیگری مانند «نصیرخان» کشاورزی که حاکم فریدن شد، «توازیای شویلی» معروف به «سییلو»، «لطفعلی‌خان گرجی»، «محمدبیک گرجی» و یا «ارچ‌قلی‌بیک» و پسرش «رحیم‌خان» برمی‌خوریم؛ «ارچ‌قلی‌بیک» بزرگ خاندان «انیکا شویلی» بوده است و در اتحاد گرجیان با «علیمردان‌خان بختیاری» در مقابل کریم‌خان نقش به‌سزایی داشته‌است (رحیمی، ۱۳۷۹، ص ۳۳).

در عهد قاجار نیز به شماری از گرجیان یا گرجی‌تباران برمی‌خوریم که مناصب مهمی را احراز و در تاریخ کشور ما نقش به‌سزایی را ایفا کرده‌اند؛ از جمله این شخصیت‌ها می‌توان به

۱. کارشناسی ارشد تاریخ، رئیس گروه مستندسازی اسناد، اداره کل تنظیم و توصیف، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.



«سهراب‌خان گرجی» اشاره کرد که در سال ۱۲۴۸ق. به فرمان عباس‌میرزا ولیعهد حکمران تربت‌جام و تربت‌حیدریه شد (رحیمی، ۱۳۷۹، ص ۸۶). وی همچنین مدتی سمت تحویل‌داری صرف‌جیب فتحعلی‌شاه را داشت؛ بدین معنا که هر زمان وجوهی تحت عناوین مختلف به شخص شاه داده می‌شد، تحویل می‌گرفت و برای شاه نگاه می‌داشت؛ شاه نیز هر زمان قصد دادن انعام به کسی را داشت وی را به سهراب‌خان حواله می‌داد. بدین‌جهت سهراب‌خان به «نقدی» معروف شد. سهراب‌خان مدتی نیز تصدی گمرک را برعهده داشت (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۲۲). «ارگلی‌خان» معروف به «والی‌خان» پسر سهراب‌خان از جمله رجال دیگری است که می‌توان از وی یاد کرد. هنگامی که سهراب‌خان در سال ۱۲۷۸ق. درگذشت، پسرش «والی‌خان» به سمت ریاست کل گمرک منصوب گردید که در آن زمان صاحب‌جمع نامیده می‌شد. وی صاحب کتابچه «فجوریه» است (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۲۳).

خسروخان گرجی از گرجی‌تباران دیگری است که می‌توان به وی اشاره کرد. او که از رجال مهم عهد فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار محسوب می‌شد در سال ۱۲۳۴ق. حکومت گیلان را برعهده داشت. در سال ۱۲۵۰ق. به‌دنبال عزل عبدالله‌خان امین‌الدوله از حکومت اصفهان و تبعید به بین‌النهرین یا عراق کنونی، خسروخان به حکومت آنجا رسید و تا سال ۱۲۵۳ق. که مردم اصفهان علیه وی شوریدند در حکومت آن نقطه برقرار بود. در سال ۱۲۶۳ق. پس از عزل رضاقلی‌خان از حکومت کردستان وی به‌جای او به حکومت آن دیار منصوب شد (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۷۹).

از دیگر گرجی‌تباران عهد قاجار می‌توان «منوچهرخان معتمدالدوله» ارمنی معروف به گرجی را نام برد. او که به اسارت توسط آغامحمدخان قاجار از تفلیس به ایران آورده شده بود، دیری نپایید که تبدیل به یکی از رجال معروف دوره فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار شد. ابتدا در دربار فتحعلی‌شاه به‌عنوان خواجه حرمسرا و سپس غلام پیشخدمت خاصه و پس از آن نیز به سمت خواجه‌باشی و ایشیک آقاسی‌باشی ارتقا یافت که از مناصب مهم درباری به‌حساب می‌آمد. پس از طی این مراحل از دربار خارج شد و در سال ۱۲۳۹ق. به پیشکاری یحیی‌میرزا پسر فتحعلی‌شاه، حاکم خردسال گیلان که ۷ سال بیشتر نداشت راهی آن دیار شد. در سال ۱۲۴۰ق. پیشکار سلطان‌محمد‌میرزا سیف‌الدوله پسر فتحعلی‌شاه در حکومت اصفهان بود و اندکی بعد که دور دوم جنگ‌های ایران و روس آغاز شد، وی در سال ۱۲۴۲ق. مأموریت یافت که از سواحل گیلان و انزلی در مقابل هجوم روس‌ها حراست کند. پیشکاری فیروز‌میرزا در فارس به‌سال ۱۲۵۱ق. از جمله مناصب مهم دیگری است که منوچهرخان معتمدالدوله در کارنامه خود دارد. در سال ۱۲۵۲ق. حکومت کرمانشاه، خوزستان و لرستان را دست گرفت و سپس در سال ۱۲۵۴ق. حکومت اصفهان نیز به وی محول شد (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۵۹).



شخصیت گرجی تبار دیگر که از دولتمردان مهم عصر قاجار به‌شمار می‌رود، «یوسف‌خان سپهدار گرجی»، بانی شهر سلطان‌آباد عراق یا همان اراک کنونی است. وی به حکمرانی آن دیار منصوب شد و در سال ۱۲۲۷ق. از طرف فتحعلی‌شاه قاجار مأمور سرکوبی «عبدالله‌پاشا» والی بغداد گردید و با گروهی از سرکردگان خویش روانه بغداد شد. مأموریت مهم دیگر وی دفع اکرادی بود که به حدود سلماس تعدی کرده بودند. در سال ۱۲۴۰ق. به پیشکاری سلطان‌محمد میرزا پسر فتحعلی‌شاه که ۱۳ سال بیشتر نداشت راهی اصفهان شد، وی در همین سال درگذشت و فرزندش غلامحسین منصب پدر را برعهده گرفت (بامداد، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۷۷).

غلامحسین فرزند یوسف‌خان گرجی در ۱۷ سالگی منصب پدر را دریافت کرد و در همین ایام با «ماه‌بیگم» خانم دختر بیست‌ودوم فتحعلی‌شاه ازدواج کرد. در اواخر سال ۱۲۶۶ق. حاکم اصفهان شد و البته حکومتش چندان دوامی نیافت. در سال ۱۲۷۲ق. حاکم کرمان شد و پس از پایان حکومت و بازگشت به تهران در زمره اعضای دارالشورای کبرای دولتی درآمد که به دستور ناصرالدین‌شاه تشکیل شده بود. در سال ۱۲۸۶ق. نیز به وزارت عدلیه برگزیده شد و پس از آن حاکم قزوین شد.

جست‌وجو در منابع کتابی

۱- کتاب «تاریخ نو» اثر جهانگیرمیرزا پسر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه که شامل وقایع سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۸ق. است منبعی است که برای یافتن مطالبی راجع به بیجن‌خان موردبررسی قرار گرفت. جهانگیرمیرزا سومین پسر نایب‌السلطنه است که در زمان حیات پدر، بسیار موردتوجه وی بود و از همان سنین جوانی به حکومت خوی و سلماس و ریاست قشون آن حدود منصوب شد. او همچنین در دوره دوم جنگ‌های ایران و روس به‌طوری‌که خود مفصلاً در «تاریخ نو» ذکر کرده، شرکت داشته است و پس از پایان جنگ نیز به سرحداری اردبیل و تالش و سواحل دریای خزر و نیز حراست از قلعه اردبیل برگزیده شد. این کتاب بر اساس یادداشت مؤلف در مقدمه، در واقع ذیل تاریخ قاجاریه عبدالرزاق‌بیک مفتون دنبلی یعنی کتاب «مأثر سلطانی» است که در سال ۱۲۴۰ق. پایان یافته و این ذیل که تاریخ نو باشد؛ از همین سال ۱۲۴۰ق. آغاز و به اوایل سال ۱۲۶۷ق. ختم می‌شود. ویژگی بارز این کتاب در ارائه اطلاعات مفید تاریخی مربوط به جنگ‌های دوم ایران و روس، احوال حاجی‌میرزا آقاسی، محمدخان امیرنظام و ظهور باییه است. در کتاب مزبور ضمن عنوان «ذکر احوال نایب‌السلطنه بعد از رسیدن خیر تسخیر تبریز در قریه شندآباد و چگونگی گزارشات ایشان و طلب صلح نمودن از ینارال بسقویج» آمده است: «... نایب‌السلطنه از سلماس نیز حرکت کرده وارد شهر ارومی شدند و عالیجاه بیجن‌خان



را با نوشته ملایمت و ملاحظت به نزد ینارال بسقویچ که خبر ورود او به تبریز معلوم شده بود فرستاد و طالب صلح و صفا شدند؛ در ادامه نیز ذیل عنوان «ذکر مراجعت بیجن خان از نزد ژنرال بسقویچ و قبول کردن ژنرال بسقویچ مصالحه را به شروطی که مذکور می‌شود» چنین نوشته است:

چون بیجن خان با نوشتجات نایب‌السلطنه به نزد ینارال بسقویچ آمد و ینارال بسقویچ از کیفیت نوشتجات آگاهی به هم رساند، بعد از تغییرات بسیار و گله‌مندی‌های بی‌شمار بیجن خان اظهار نمود که دولت ما هرگز به این جنگ و غوغا راضی نبودند و همیشه طالب صلح با دولت ایران می‌باشند. حال که ثمره جنگ و جدال فی‌الجمله معلوم امنای دولت ایران شده و میل به صلح و صلاح نموده‌اند، دولت علیه روس نیز با وجود غلبه و استظهار، باز از مصالحه و مهاده سر باز نخواهند زد مشروط بر آنکه نایب‌السلطنه به وکالت دولت خود ارکان مصالحه را قبول فرموده و کاغذ در قبول کردن ارکان مصالحه برای من بفرستند. پس از آن جایی را معین خواهم کرد که در آن مکان همدیگر را ملاقات کرده به انجام امر مصالحه اشتغال نماییم و جزئیات امر مصالحه را در مجلس ملاقات گفتگو کرده قرار خواهیم داد و لابد باید این ارکان مصالحه از طرف دولت ایران قبول شود ... (جهانگیرمیرزا، ۱۳۲۷، ص ۹۳ و ۹۶).

۲- محمدحسن خان اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات عهد ناصری در جلد سوم «تاریخ منتظم ناصری» هنگام ذکر وقایع سنه ۱۲۴۳ هجری که کشور شاهد نزاع و درگیری فراوان میان ایران و روس بوده چنین آورده است: «بیژن خان گرجی بعضی تهدیدات از جانب حضرت معظم نایب‌السلطنه برای بسقویچ پیغام برد و جواب ملایمت و مبنی بر صلح آورد ...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ص ۱۵۷۹) و در ذکر وقایع سنه ۱۲۶۴ ق. می‌نویسد: «دوستعلی خان حاکم یزد به دارالخلافه آمد و حاجی بیژن خان گرجی که ریش سفید عمه خلوت بود به حکومت یزد رفته به زودی نیز معزول شد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ص ۱۶۹۴). همچنین در ذکر وقایع سنه ۱۲۶۸ هجری آورده است: «حاجی بیجن خان را به منصب پیشخدمت‌باشی‌گری و ریش سفیدی عمه خلوت و تفنگدارباشی‌گری مفتخر فرمودند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ص ۱۷۲۵).

۳- از جمله منابع دیگری که اشاره به بیجن خان گرجی دارد، کتاب «سیاستگران دوره قاجار» اثر خان‌ملک ساسانی در دو جلد است. در این کتاب شرح حال ۹ تن از سیاستگران دوره قاجار و نیز مهم‌ترین رویدادهای عصر آنها ذکر شده است. این ۹ نفر عبارتند از: میرزا آقاخان نوری، میرزا حسین خان سپهسالار، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، میرزا یوسف خان مستوفی‌الممالک، میرزا محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، سید جمال‌الدین اسدآبادی، حاج میرزا آقاسی، میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله. در بخشی از کتاب در ذکر خاطرات میرزا علی خان امین‌الدوله راجع به آقاعلی اصغر امین‌السلطان، شرح حال آقاابراهیم آبدارباشی



آمده است: «ابراهیم و حسین دو طفل بودند از زال‌بیک ارمنی که از اسراء تفلیس بود ... اسکندربیک عم این دو طفل که در دستگاه ولیعهد سقاباشی و دخیل عمل آبدارخانه بود به نسبت هم‌نژادی با حاجی بیژن‌خان رئیس درب‌خانه کارش رونقی داشت (خان‌ملک ساسانی، ۱۳۳۸، ج ۲، ص ۲۳۶).

۴- «آهنگ سروش، تاریخ جنگ‌های ایران و روس»، یادداشت‌های میرزا محمدصادق وقایع‌نگار مروزی از آغاز تا عهدنامه ترکمانچای، منبع دیگری است که به‌جهت این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. گردآورنده مطالب حسین آذر و کار تصحیح آن را امیرهوشنگ آذر برعهده داشته است. این کتاب همان‌گونه که از عنوانش پیداست به مطالبی چون: اوضاع سیاسی ایران پیش از آغاز جنگ‌های ایران و روس، علل وقوع جنگ، تاریخ مختصر روسیه و مطالب جزئی‌تری چون قتل‌عام مردم قره‌باغ، دستیابی به قلعه بادکوبه، عزیمت شاه به آذربایجان، معاهده ایران با ناپلئون، تسخیر نخجوان، مداخله انگلیس، حکم جهاد، قتل حاکم بغداد غیره پرداخته است. میرزا محمدصادق وقایع‌نگار مروزی که خود منشی و مورخ دستگاه عباس‌میرزا در تبریز بوده است، بنا به دلایلی قادر به ثبت وقایع روزانه نبوده و یادداشت‌های شخصی خود را پنهان نگاه می‌داشته تا زمانی که به مأموریت تفلیس اعزام شده و در آن زمان آن‌ها را در اختیار کسی به‌نام سرهنگ «قاسم‌خان فندرسکی» قرار داده است. در جلد دوم این کتاب که «آهنگ سروش» نام دارد تحت‌عنوان «ورود سردار روسی به تبریز» چنین آمده است:

نایب‌السلطنه که با عده معدودی در سلماس توقف داشت، موقع را برای مخالفت با پشقاویچ مناسب ندانست و مستحفظین خوی را کلاً به سلماس احضار کرد و آن ولایت را به امیراصلان‌خان که در پنهان با روسیه سازش کرده بود محول داشت، از این‌روی سران روسیه بدون برخورد به موانع وارد شهر خوی گردیده برج و بارو را متصرف و کلیه ذخیره را در حیطة تصرف خود درآوردند. وقتی عباس‌میرزا از خیانت اصلان‌خان مطلع گردید، فوراً میرزاابوالقاسم قائم‌مقام را به‌اتفاق بیژن‌خان گرجی مجدداً نزد پشقاویچ روانه داشت و خود با ملازمین و نفرات موجود در خارج ارومیه متوقف گردید (آذر، ۱۳۶۹، ص ۲۷۲).

۵- منبع دیگری که اشاره به بیجن‌خان دارد «سفرنامه خسرومیرزا به پطرزبورگ و تاریخ زندگی عباس‌میرزا نایب‌السلطنه» به‌قلم میرزامصطفی افشار (بهاءالملک) که در شرح سفرنامه هیئت اعزامی از سوی دربار قاجار به سن‌پتربورگ برای پوزش کشته‌شدن گریبایدوف سفیر کبیر روسیه در تهران، تألیف یافته است. در این کتاب آمده است:

پسکویچ به‌رسم پیشکش عید یک هزار باجقلو به‌حضور مرحمت دستور فرستاده، خود برای تهنیت عید نوروز شرف‌اندوز شد و در همان مجلس بعد از تعهد خدمات کلیه رخصت انصراف



حاصل کرده، همان روز حوالی عصر بار عزیمت برگرفت و شهر تبریز را وداع گفت. حضرت ولیعهد از راه مهمان‌نوازی نواب امیرزاده خسرومیرزا را به مشایعت او مأمور فرمود. یک روز بعد شبیه صورت مبارک را که در لندن به‌دست بهترین نقاشان آنجا بر صفحه عاج منقش شده بود و جهت محافظت، آئینه بر آن روکش گشته و در صنعت و زینت به‌غایت قصوای کمال رسیده، مصحوب بیجن‌خان صندوقدار به‌عنوان یادگار برای او فرستادند (افشار، ۱۳۴۹، ص ۹۴). ۶- مهدی بامداد، نویسنده کتاب «شرح‌حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری» در جلد پنجم این دوره، در معرفی بیژن‌خان چنین آورده است:

در سال ۱۲۴۳ قمری که ارتش ایران در جنگ روس شکست خورد و عباس‌میرزا نایب‌السلطنه فرمانده کل قوا عقب‌نشینی اختیار کرده و در مرند توقف نمود، ابتدا نایب‌السلطنه فتحعلی‌خان بیگلربیگی تبریز فرزند هدایت‌الله خان رشتی را برای متارکه و مصالحه به‌نزد پاسکویچ که به تبریز وارد شده بود فرستاد و پاسکویچ حکومت تبریز را مانند سابق به فتحعلی‌خان واگذار نمود، سپس نایب‌السلطنه بیژن‌خان گرجی را برای مذاکره و مصالحه به‌نزد پاسکویچ روانه کرد و پس از مذاکره قرار شد که نایب‌السلطنه و پاسکویچ در دهخوارقان یکدیگر را ملاقات نموده و قرار مصالحه داده شود (بامداد، ۱۳۷۱، ص ۴۰).

۷- در کتاب «عباس‌میرزا و فتحعلی‌شاه، نبردهای ده‌ساله ایران و روس» تألیف امینه پاکروان که شامل ۹ فصل است و ترجمه آن را صفیه روحی برعهده داشته، چنین آمده است: ... عباس‌میرزا به‌همین دلیل سعی می‌کرد ناامیدی خود را از نگاه‌های حریص آن‌ها پنهان کند و وسیله دفاعی علیه این گرگ‌های وحشی به‌دست آورد. او به‌هرحال همیشه لشکر کوچکی در اختیار داشت اما درآمد اندکش به‌زودی از عهده مخارج آن برنمی‌آمد و سوءظن روس‌ها را هم برمی‌انگیخت. در کار همین شکست هم به‌هرحال نظمی لازم بود و تماس گرفتن با ژنرال پاسکویچ فوریت داشت. پس نامه‌ای به او نوشت و بیژن‌خان از افسران مورداعتماد را مأمور رساندن آن به تبریز کرد و خود در اردویی که در نزدیکی سلماس برپا کرده بود در انتظار جواب نشست (پاکروان، ۱۳۷۶، ص ۲۹۶).

از بیژن‌خان گرجی که در اسناد آرشیو ملی ایران اغلب با عنوان «بیجن‌خان» یاد شده است، اطلاعات چندانی در دست نیست؛ اینکه وی فرزند چه کسی بوده و به چه خاندانی تعلق داشته، در چه تاریخی متولد شده و چه زمانی و چگونه از دنیا رفته است سؤالاتی است که پاسخی برای آن‌ها در منابع به‌دست نیامد؛ اما همین قدر می‌دانیم که وی از دولتمردان عصر قاجاری است که پس از سفر حج به حاجی بیجن‌خان معروف شده و زمان سه پادشاه یعنی فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه قاجار را درک کرده و دارای مناصب مهمی بوده است. وی در بدو امر در دستگاه عباس‌میرزا نایب‌السلطنه در آذربایجان مشغول خدمت بوده است



و در سال ۱۲۳۱ ق. از طرف وی مأموریت می‌یابد که برای ملاقات و گفت‌وگو با پاسکویچ روسی به تبریز برود (بامداد، ۱۳۷۱، ص ۱۹۹). در سال ۱۲۶۸ ق. از طرف ناصرالدین‌شاه قاجار به سمت ریش‌سفیدی عمده خلوت که از مناصب مهم آن زمان محسوب می‌شده است و نیز تفنگدارباشی‌گری برگزیده شد (بامداد، ۱۳۷۱، ص ۱۹۹). اندکی پس از آنکه به سمت ریاست عمده خلوت خاصه همایونی برگزیده شد، به‌جای دوستعلی‌خان معیرالممالک حاکم یزد شد ولی حکومتش چندان دوامی نیافت که معزول و رهسپار دارالخلافه گردید و حکمرانی یزد به محمدحسن‌خان ساری‌اصلان سردار ابروانی رسید. سجع مهری که از وی در اسناد آرشیو به‌دست آمده است چنین است: «عبدالراجی بیجن».

در آرشیو ملی ایران با جست‌وجوی نام بیجن‌خان، ۱۰ فهرست مشاهده می‌شود با منشاء وزارت پست و تلگراف و تلفن که عنوان یا محتوا و شماره‌های جای‌نمای آن‌ها به‌قرار زیر است:

۱- نامه بیجن‌خان: گزارش از ورود شاه به فین کاشان، اقدامات امیرزاده، ارسال خلعت برای نایب‌السلطنه (۷۲۰/۲۱۰)، ۲ برگ، رقم چهارم تاریخ ناخوانا و بدین شکل نشان داده شده است: ۱۲۴ ق.

۲- اعزام رستم‌خان و بیجن‌خان با فرمان و خلعت شاهانه به همدان (۶۳۵/۲۱۰)، ۱ برگ، رقم چهارم تاریخ ناخوانا و بدین شکل نشان داده شده است: ۱۲۴ ق.

۳- نامه به میرزاحمدعلی وزیر: ارسال خلعت و فرمان شاه برای نایب‌السلطنه در تبریز (۵۷۸/۲۱۰)، ۲ برگ، رقم چهارم تاریخ ناخوانا و بدین شکل نشان داده شده است: ۱۲۴ ق.

۴- عزیمت شاه از شهر اصفهان به باغ قوش‌خانه، دریافت وجه تنخواه توسط رستم‌خان از سهراب‌بیک، عدم تسویه مالی بیجن‌خان با تجار، ارسال فرمان و خلعت شاهانه از مورچه‌خورت (۲۱۰/۵۹۶)، ۱ برگ، رقم چهارم تاریخ ناخوانا و بدین شکل نشان داده شده است: ۱۲۴ ق.

۵- نامه به میرزاحمدعلی: ورود به قم و تدارک استقبال از فتحعلی‌شاه در بین راه‌ها، ملاقات بیجن‌خان با شاه در قمرود، عزل طهماسب‌میرزا از حکومت همدان و تعیین امیرزاده به‌جای وی (۱۳۳۳/۲۱۰)، ۲ برگ، رقم چهارم تاریخ ناخوانا و بدین شکل نشان داده شده است: ۱۲۴ ق.

۶- نامه محمدمیرزا (محمدشاه) به محمدخان (زنگنه): سفارش جهت حل اختلاف محمدنظرخان با یکی از شاهزادگان و رفع توقیف تیول‌های وی در تویسرکان توسط نایب‌السلطنه، اعزام رستم‌خان و بیجن‌خان با خلعت و فرمان شاهی (۲۷۶۷/۲۱۰)، ۱ برگ، ۱۲۴۰ ق.

۷- نامه با مهر محمد به سالار: خیر رفتن شاهزاده به تبریز و ورود هدایت‌بیک به روستای جورقان، هدایت اردو توسط رستم‌خان و بیجن‌خان و واگذاری سلیمانیه توسط نایب‌السلطنه به طهماسب‌میرزا در ازای واگذاری ذهاب از طرف میرزاابوالقاسم، ارسال فرمان همدان (۸۳۳/۲۱۰)، ۲ برگ، ۱۲۴۰ ق.



۸- نامه عباس میرزا به فریدون میرزا در مورد فرستادن بیجن خان پیشخدمت و لزوم گفتگو با عبدالله میرزا و نوشتن عریضه و ارسال پیشکش جهت شاه، رفع اختلاف بین عباسقلی سرهنگ پیاده و عباسقلی سرکرده سواره توسط میرزا محمدعلی و رفع فتنه توسط میرزا حاجی (۱۰۳۲/۲۱۰)، ۱ برگ، ۱۲۴۵ ق.

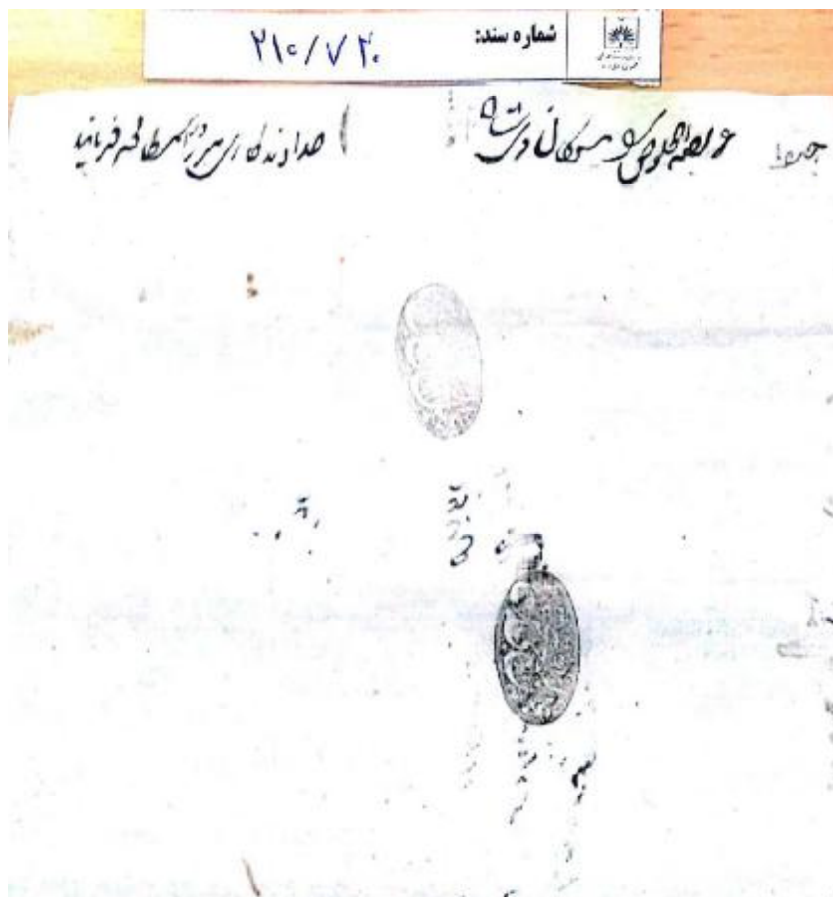
۹- نامه به محمدخان: گزارش از برقراری آرامش در روستای جورقان همدان توسط امیرزاده، ارسال فرمان و خلعت توسط رستم خان و بیجن خان برای مهدیقلی میرزا، تقاضای رسیدگی به امور کهکیلویه توسط نایب السلطنه، ورود امیرزاده به عراق (اراک) و ارسال هدایای محمود میرزا برای وی (۷۲۲/۲۱۰)، ۴ برگ، رقم چهارم تاریخ ناخوانا و بدین شکل نشان داده شده است: ۱۲۴ ق.

۱۰- نامه‌هایی با مهر اشخاص و مقامات از خراسان به دربار: رسیدگی به محاسبات مالیاتی بابت غله ارسالی به مشهد و ارسال دستورالعمل اخراجات آنجا توسط آقا، ارسال وجه بابت کسری مستمری، اعزام رستم خان و بیجن خان به کاشان، گزارش از عملکرد یکی از اعضای توپخانه در حیف و میل مال دیوان، دریافت رشوه از صاحبان زراعت اربابی و وارد کردن خسارت به املاک خالصه و غیره (۸۰۵۵/۲۱۰)، ۱۰ برگ، به تاریخ ۱۲۴۰-۱۲۵۰ ق.

اکنون به بازخوانی سند شماره ۵۷۸/۲۱۰ که نامه بیجن خان با سجع مهر «عبدالراجی بیجن» است پرداخته خواهد شد. وی نامه را خطاب به میرزا محمدعلی وزیر نوشته است:

صاحباً قبله‌گاهاً، یوم پنجشنبه چهاردهم الحمدلله والمنه از فضل جناب باری و از طالع نواب نایب السلطنه روحنا فذاه فرمان همایون نوشته و مهر شده انشاءالله تعالی یوم شنبه یا یکشنبه حیدرخان پسر خداوندگاری سالار با خلعت و فرمان روانه خواهد شد. به هر تقدیر دو کلمه سرافرازنامه‌چه به این کمترین قلمی نفرمودند این هم مثل بایزید شد زحمت را من بکشم مرحمت به کسی اظهار بشود که اخلال در این کار می‌کرد و راضی بود که صد هزار تومن ضرر برسد به او این کار صورت نمی‌گرفت در این وقت اسحاق بیک وارد شد به تعجیل روانه نمودیم که خبر صلح مژده‌ای آورده باشد و این کمترین خلعت نایب السلطنه را به تبریز خواهیم برد همدان نخواهم آمد. شفقت و مرحمت درباره این کمترین می‌فرمودید به عالیجاه رستم خان بفرماید که بسیار زحمت کشید آفرین به او باشد و معلوم به من مرحمت بشود یا نشود سهلست اینها را به دست نگاه بدارید و دیگر قدری که تنخواه بسیار شد سبب مشارالیه شد و چند روزی که طول کشید سبب او شد وسلام. رقم نوازش امیرزاده و با خلعت و انعام این کمترین در تبریز خواهد البته رسید. پشت سند: بنظر فیض منظر قبله‌گاهی ام میرزا محمدعلی وزیر برسد. سند دوم که تصویر آن ضمیمه شده است دارای شماره جای‌نمای ۲۱۰/۷۲۰ و نامه بیجن خان خطاب به میرزای وزیر است و بیجن خان پشت آن را مهر کرده است.





نتیجه گیری:

نتیجه پژوهش حاضر حکایت از آن دارد که گرجیان یا گرجی تبارانی در عهد قاجار مناصب مهم حکومتی را احراز کرده‌اند و همپای سایر دولتمردان در تاریخ این سرزمین تأثیرگذار بوده‌اند. برخی چهره‌های شناخته‌تر شده‌ای هستند که به تعدادی از آنان اشاره شد و برخی مانند بیچن خان که هرچند از درباریان مهم آن عهد به حساب می‌آمده و مدتی نیز زمام حکومت یزد را در دست داشته اما به دلیل کوتاهی دوران حکومت، اطلاعات چندانی از وی حتی در تاریخ‌های محلی به ثبت نرسیده است. اما بررسی اسناد موجود حاکی از مأموریت مهم وی در ملاقات با صاحب‌منصب روسی است و اینکه بارها رساندن خلعت شاهانه که از مأموریت‌های مهم آن روزگار محسوب می‌شده، بر عهده بیچن خان گذاشته شده است. احتمال می‌رود اسناد بیشتری در آرشیو ملی کشور راجع به وی وجود داشته باشد؛ به‌خصوص اسنادی که در زمان جنگ‌های ایران و روس تولید شده است.



منابع:

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- افشار، مصطفی؛ مستوفی‌انصاری، مسعود (۱۳۴۹). سفرنامه خسرومیرزا به پترزبورگ و تاریخ زندگی عباس‌میرزا نایب‌السلطنه. به کوشش محمد گلبن. تهران: چاپخانه اتحاد.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری. تهران: انتشارات زوار.
- پاکروان، امینه (۱۳۷۶). عباس‌میرزا و فتحعلی‌شاه، نبردهای دهساله ایران و روس. تهران: نشر تاریخ ایران.
- جهانگیرمیرزا (۱۳۳۷). تاریخ نو. به اهتمام عباس اقبال. تهران: شرکت سهامی چاپ.
- خان‌ملک ساسانی، احمد (۱۳۳۸). سیاستگران دوره قاجار. تهران: انتشارات بابک.
- رحیمی، ملک‌محمد (۱۳۷۹). گرجی‌های ایران. اصفهان: انتشارات یکتا.

اسناد:

- ۷۲۹/۲۱۰
- ۶۳۵/۲۱۰
- ۵۷۸/۲۱۰
- ۵۹۶/۲۱۰
- ۱۳۳۳/۲۱۰
- ۲۷۶۷/۲۱۰
- ۸۳۳/۲۱۰
- ۱۰۳۲/۲۱۰
- ۷۲۲/۲۱۰
- ۸۰۵۵/۲۱۰
- ۲۱۰/۷۲۰

